

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

نگارش و ترجمه از: محمد هارون خیل شعشی
لندن، ۲۰۱۰ میلادی
۱۱/۰۳/۰۱

مبانی حقوق افتراء و آزادی بیان

۱۲

(ب) امتیاز مشروط

حالاتی وجود دارد، که دفاع مدعی علیه در افتراء به میان آمده خصوصیت مطلق نداشته، بلکه مشروط به هدف معقول و نشر درست آن می باشد. از همین جهت است، که چنین امتیاز به نام های امتیاز «شایسته»، «مشروط» یا «الغایذیر» نیز یاد می گردد. مشک الست تا چنین شرایط و حالات را در یک جمله واحدی بیان کرد. از اینرو نمی توان فارمول بهتری جز این در باره تعریف امتیاز مشروط ارائه کرد: «نشریه ای بهرمنند از امتیاز مشروط پنداشته می شود، که توسط متصدیان برخی مقامات عامه یا خصوصی، در باره وظایف شخصی یا موضوعات ذیعلقه شان، چه قانونی یا اخلاقی، به طور منصفانه نشر گردد.»

تا جائیکه مسایل قانون اساسی را احتوا نکرده، منافع حراست شده به وسیله امتیاز مشروط، قرار آتی بر شمرده می شود:

۱ - منافع ناشر

منافع ناشر تقریباً همانند امتیاز دفاع از خود یا دفاع از ملکیت، عبارت از امتیازی است، که به منظور حراست یا پیش بردن منافع قانونی شخص مدعی علیه در نشر موضوع افتراء آمیز، تفویض می گردد. بدین ترتیب، ناشر می تواند، به طور مناسب، به نشر هر آن چیزی اعم از اتهام دروغ گوئی علیه معترض، اقدام وزرد، که مستلزم دفاع شهرت و حیثیت او در برابر افتراء وارده باشد.

البته، او در برابر هر اتهام غیر مرتبط علیه معترض مسؤولیت خواهدداشت، که به موضوع افتراء علیه شهرت و نیکنامی اش، اضافه گردیده؛ مثلاً ضمن کوشش به خاطر تکذیب اتهام معترض در باره یک عمل غیر اخلاقی خود، به طور جوابی ادعا کند، که معترض در واقع کسی است، که فلان موتر یا اسب را نیز سرقت نموده بود. درینجا چنان که دیده می شود، مدعی علیه ازیکسو به دفع اتهام علیه شخصیت خود پرداخته؛ ولی همزمان با آن به اتهام غیر مرتبطی علیه معترض نیز توسل می جوید، که به قضیه متنازع فیه میان او و معترض هیچ گونه ارتباطی

نداشته؛ زیرا اتهام سرقت موثری اسپ علیه معترض با دفع اتهام کردار غیر اخلاقی خودش، هیچ گونه ارتباط منطقی و قانونی ندارد.

این امتیاز سایر تلاش های مدعی علیه را جهت حمایت از منافع با اهمیت دیگرش نیز تحت پوشش قرار می دهد. بنابراین، وی می تواند به منظور استرداد ملکیت سرقت شده خود کشف و تعقیب سارق، تلاش مناسب به عمل آورده؛ دیونش را پیش از دسترسی سایر طلبکاران به پول و دارائی مدیون، از نزدش حصول نماید؛ از معترض یا سایر اشخاص دارای رفتار مشکوک، به خادمان خود هوشدار دهد؛ از وکیل مدافع خود در موضوعات قانونی مشوره گیرد؛ علیه سوء اداره نهادی دست به اعتراض بزند، که در کار و فعالیت آن دلچسپی شخصی داشته باشد یا تجارت و معاملات خود را در برابر رقابت های غیر اخلاقی، حمایت و حراست نماید.

در همه این گونه حالات، به مجردی که مدعی علیه چیز دیگری جز آنچه به طور معقول و منطقی لازم پنداشته شده، اظهار می دارد و یا بنابر اقدام نادرست و غیر سنجیده اش با کسی در باره بیان افتراء آمیزی به بحث و گفتگو می پردازد، که ظاهراً قادر به ارایه کمک قانونی در زمینه نبوده است، در آن صورت امتیاز مشروط نیز به خودی خود باطل می گردد؛ مثلاً حالتی که مدعی علیه نسبت تعلق یا عدم پرداخت قرض یکی از کارمندان مقروض به خودش، مستقیماً به کارفرمای او شکایت نموده؛ و بدین وسیله حیثیت و اعتبار او را در میان همکاران و هم مسکانش صدمه می زند. درین حالت، چنان که مشاهده می گردد، بیان افتراء آمیز در واقع با اتخاذ راه و روش نادرست با کسی (کارفرما) مطرح بحث قرار گرفته، که قانوناً مسؤول عدم پرداخت دیون کارمندش نبوده است. ازین رو قادر به حل قضیه نیز نمی باشد (پروسر ۷۸۶ - ۸۷).

۲- منافع دیگران

شخصی که به منظور حمایت از منافع دیگران، غیر از ناشر، دست به نشر افتراء می زند، در واقع شباهت با حالتی دارد، که در آن شخصی با استعمال زور و قوه، به نگهداری شخص دیگری توسل می ورزد. شاید بیان یا نشریه افتراء آمیز به شخصی گفته شود، که تحت امتیاز حمایت و نگهداری قرار داشته؛ مانند صدور هوشدار (هشدار) به یک خانم، که از ازدواج با فلان مجرم پیشین خودداری ورزد یا هوشدار به شخص سومی؛ مانند صدور چنین هوشدار (خودداری از ازدواج با فلان مجرم قبلی) عوض خودخانم به پدرش. مدعی علیه باید نظیر حالت استعمال زور یا قوه، در اعتقاد به این امر که نشریه یا بیان افتراء آمیز برای مقصد مورد نظرش، امر ضروری به حساب آمده؛ و شخص دیگری قادر به حفاظت از خود نبوده، دلیلی داشته باشد. بدین روال، این امتیاز در شرایطی وجود نخواهد داشت، اگر از جانب کسی به تکذیب افتراء وارده اقدام گردد، که او خود قادر به دفع و تردید آن بوده باشد. البته، این امتیاز در مواردی که مدعی علیه طبق دساتیر نیروهای مسلح از سخن گفتن در قضیه معینی ممنوع قرار گرفته، وجود خواهد داشت (پروسر ۷۸۷).

به عقیده پروفسر پروسر، از آن جاکه ساحة امتیاز تحفظ منافع دیگران همواره از موضوعات قابل بحث بوده؛ و حالات مشمول در آن بسیار تنوع داشته، لذا نمی توان آن را در فارمول دیگری جز این تعریف جامع و مانع قرار داد: «نشریه افتراء آمیز باید در تحفظ منافع دیگران قابل توجیه بوده؛ و در مطابقت با وجبیه قانونی یا اخلاقی یا معیارهای عموماً پذیرفته شده رفتار شریفانه، مورد استفاده قرار گرفته باشد.» این امتیاز در مواردی، که میان مدعی علیه و شخصی که وی به حمایتش اقدام ورزیده، روابط قانونی معینی وجود داشته، عاری از هرگونه پیچدگی و ابهام پنداشته می شود؛ به طور مثال هر شخص می تواند اعضای خانواده اش را مشوره یا اخطار دهد تا از عروسی با فلان شخص رذیل و فرومایه، به زعم او، اجتناب ورزد یا هر شخص حق دارد علیه شاگردانی به مدیریت مکتب

شان اعتراض نماید، که با دخترش تماس نادرست برقرار نموده اند یادآوری که به منظور حمایت از منافع مریضش سخن می‌راند یا وکیل مدافعی که از منافع موکلش نمایندگی می‌کند یا نماینده و کارمندی که به نمایندگی از مدیر و کارفرمایش حرف می‌زند، همه می‌توانند از این گونه امتیاز استفاده به عمل آرند.

علاوتاً محاکم در بسیاری قضایا، توجیه اخلاقی رانیز به رسمیت شناخته است، که تحت آن یک شخص معقول جامعه، در شرایط عادی اجتماعی، به خود جرأت و صلاحیت می‌دهد تا از منافع و مصالح شخص دیگری نمایندگی کند. ازین رو، اکنون این امر مجاز تلقی می‌شود تا نسبت بر خورد ناشایسته یک کارمند، به کارفرمای موجود یا آینده اش هوشدار داده شود یا به شرکت بیمه ای اطلاع داده شود، که توسط فلان شخص بیمه شده اش، مورد تقلب قرار گرفته یا به صاحب جایدادی گوش زد گردد، که فلان کرایه نشینش شخص مطلوبی نبوده یا به طلبگاری گفته شود، که مدیونش دچار افلاس گردیده و بسا مثال هائی از این نوع. درین گونه حالات، چنان که ملاحظه می‌شود، مدعی علیه بنابر مکلفیت وجدانی و اخلاقی اش در برابر هموعان و هموطنان، دست به کاری می‌زند، که باعث بدنامی و آبرو ریزی معترض می‌گردد. هرچند مداخله به خاطر حراست از حقوق و منافع دیگران در اصل به رسمیت شناخته شده است؛ اما اینکه تحت چه شرایط و حالاتی می‌توان به دفاع و حراست از حقوق دیگران توسل جست، خود از سؤالات مهم و بحث انگیزی شمرده می‌شود (پروسر ۷۸۸).

اکنون نکته ای را مشخص کرده اند، که بارسیدن به آن می‌توان میان وساطت، فضولی و وجبیه اخلاقی شخص در دفاع از دیگران، فرق گذاشت. مبتنی بر این تفکیک، شخص آگاه و معقول جامعه درک می‌نماید، که چه موضوعات بنابر اهمیت اجتماعی و اخلاقی آن از مسایل ذی‌علاقه او بوده و چه موضوعات از زمره مسایل خصوصئی دیگران محسوب می‌گردیده، که هیچگاه نباید به مداخله و میانجیگری فضولی در آن، توسل جست؛ مانند گفتن مطلبی در باره رفتار خانمی به شوهرش یا بالعکس گفتن چیزی به خانمی در خصوص رفتار و کرکتر شوهرش یا بیان مطلب خصوصئی به خانمی در مورد شوهر آینده اش و بسا موضوعات خانوادگی ازین دست. در همچو موارد محاکم متمایل به آن بوده تا «دوست» شایعه پرداز و قصه گو را - کسی که به مخالفت و ناسازگاری خانوادگی دامن می‌زند- از استعمال چنین امتیاز بی بهره ساخته؛ و با عواقب ناخوشایند اطلاعات رسانی فضولی خویش مواجه گرداند. با وصف این هم، تشخیص و تعیین حد فاصل میان مداخله درست و نادرست یا وساطت مجاز و غیرمجاز در عمل، همواره کار آسان نبوده است (پروسر ۷۸۸ - ۸۹).

۳- منافع مشترک

امتیاز مشروط در بسیاری قضایای دیگری نیز به رسمیت شناخته شده است، که ناشر و دریافت کننده نشریه افتراء آمیز از منافع مشترکی برخوردار بوده؛ و نشریه مورد بحث، به نحو معقول و سنجیده آن منافع را حراست یا ترقی بخشد.

در بسا موارد این گونه قضایا نیز می‌توان از عین وجبیه قانونی و اخلاقی صحبت به عمل آورد، که شخص به منظور تحفظ و حراست از منافع دیگران به مداخله پرداخته؛ و ازین کارش به حیثیت و اعتبار اشخاص، صدمه می‌رسد. (در مبحث گذشته ازین گونه موارد، اشاره ای مختصر رفت). البته موجودیت این امتیاز در خصوص آن عده کسانی کاملاً واضح بوده است، که قبلاً وارد معامله تجاری با کسی شده یا انعقادچنین معامله با دیگران را بررسی می‌کنند یا در مورد کسانی، که طرفین ذیدخل معاملات اعضای یک گروه دارای منافع مشترک مالی بوده؛ مانند متصدیان، نماینده ها و کارمندان یک مؤسسه تجاری، که با سهامداران خویش گفتگو می‌کنند یا با سایرکارمندان و شعبات اداره خود در باره امور داخلی مؤسسه شان، به بحث و گفتگو می‌پردازند یا مالیه دهندگانی، که تنظیم وجوه

عامه را مورد غور و مذاقه قرار می‌دهند (پروسر ۷۸۹). تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند (پروسر ۷۸۹).

این امتیاز همواره جهت حمایت در برابر خسارات اعتبار نامساعدی بدهکاران متخلف، به مؤسسات و ادارات اعتبار متقابل، به شرطی که با حسن نیت عمل نموده، تفویض می‌گردد؛ اما واگذاری آن به نمایندگی‌های درجه بندی اعتبارات تجارتي، تا مدت مدیدی در معرض مشاجرات و مخالفت‌ها قرار داشت. این گونه مؤسسات در انگلستان به دلیلی مستحق همچو امتیاز پنداشته نمی‌شد، که بر اساس مبادله جزئیات و تفصیلات خصوصی مردم به کسب منفعت پرداخته؛ حال آنکه بسیاری محاکم ایالات متحده امریکادر واگذاری این نوع امتیاز به همچو مؤسسات ارزیابی اعتبارات، اظهار موافقت نموده است. اکثریت عظیم محاکم امریکائی پذیرفته است، که این چنین نمایندگی‌ها برای منفعت آنهاییکه در حصول چنین معلومات خصوصی دلچسپی قانونی داشته؛ و این مؤسسات را موظف به کسب آن ساخته، خدمت ارزشمند تجارتي انجام می‌دهد.

بنابراین، همچو مؤسسات تجارتي رانیز برخوردار از امتیاز منافع مشترک پنداشته است؛ به شرطی که تحقیق و رسیدگی آن در زمینه موضوعات مطروح صادقانه انجام یافته؛ و اطلاعات جمع آوری شده‌شان باحسن نیت کامل در اختیار مشترکین قرار گرفته باشد. علی‌رغم این اصل، میان محاکم توافق کلی وجود دارد، که استفاده ازین نوع امتیاز صرف محدود به حدودیست، که یک مشترک در آن دلچسپی واضح و موجود داشته باشد؛ چه در صورت نشریه عمومی، مسؤولیت ارایه معلومات نادرست و بی‌مورد به اشخاص فاقد اینگونه دلچسبی، به دوش همچو مؤسسات تجارتي خواهد بود (پروسر ۷۹۰).

این امتیاز همچنین شامل حال اعضای گروه هائی می‌گردد، که منافع مشترک دارای خصلت غیرمالی داشته؛ مانند انجمن‌های دینی یا مسلکی، سازمان‌های خیرخواهانه، اجتماعی و تعلیمی و اتحادیه‌های کارگری، مشروط بر اینکه موضوع افتراء شده ارتباطی به منافع آن گروه داشته باشد. در کلیه این حالات، هرگاه نشریه افتراء آمیز، از منافع گروهی یا فراتر نهاده؛ و یا در دسترس کسانی قرار می‌گیرد، که دلیلی مبنی بر دریافت معلومات مندرج در آن را دارا نبوده، در آن صورت امتیاز مشروط مطرح بحث نیز به خودی خود زایل می‌گردد (پروسر ۷۹۱).

۴- مکاتبات و مکالمات با کسانی که به نفع عامه عمل می‌کنند

منافع مردم عام، میرا از منافع افراد، نیز باعث ظهور دو نوع امتیاز مشروط گشته است، که اغلباً با هم مغشوش و ملتبس می‌گردد. یکی با در نظر داشت این که چه چیزی را می‌توان افشاء ساخت، خصوصیت وسیع داشته؛ لیکن از آن جهت، که با چه کسانی می‌توان آن را مطرح ساخت، خصوصیت محدود داشته است. در حالی که دیگری نسبت به محتویات آن بسیار محدود؛ ولی بنا بر نشر آن خصوصیت وسیع می‌داشته باشد. اولی که گاهگاه به نام امتیاز «منفعت عامه» یاد شده، شامل مکالمات و مکاتبات با کسانیست، که ممکن به منظور حمایت از برخی منافع عامه دست به اقدام رسمی بزنند.

بر مبنای همین اصل است، که مکالمات و مکاتبات مأمورین خدمات عامه با همدیگر، حین اجرای وجایب رسمی شان، در صورت عدم موجودیت امتیاز مطلق کم از کم مستحق استفاده از امتیاز مشروط، شناخته می‌شود. آن عده از همشهریان خصوصی نیز شامل امتیاز مشروط می‌گردند، که به منظور جلوگیری از ارتکاب یا کشف جرم به خصوصی، معلومات لازم را در اختیار مقامات ذیصلاح قرار می‌دهند در باره رفتار کارمندان عامه، به ادارات ذیربط آنان شکایت نموده؛ انفصال شان از وظیفه را تقاضا می‌کنند؛ به طور مثال شکایت در خصوص کرکتر، صلاحیت و رفتار معلمان به هیأت مدیره یک مکتب، شامل امتیاز مشروط پنداشته می‌شود. این امتیاز همچنان

مشمول بیانات نادرستی است، که توأم با حسن نیت در مورد معترضی گفته شده باشد. هر چند دور از امکان نیست، تا مکالمات و مکاتبات با سایر افراد ذی‌علاقه غیر رسمی نیز مورد حمایت و نگهداری امتیاز مشروط قرار گیرد؛ ولی مکاتبات با مردم جهان از طریق روزنامه‌ها یا سایر وسایل اطلاعات جمعی، به طور عموم، نمی‌تواند شامل حال این امتیاز گردد (پروسر ۷۹۱ - ۹۲).

۵- تبصره منصفانه یا غیرجانبدارانه در مورد موضوعات منفعت عامه

بخش اعظم امتیاز مشروط در حقوق تعاملی از آن جهت رشد کرده تا آنچه را که به نام «تبصره منصفانه و بی‌غرضانه» در مورد موضوعات منفعت عامه یادشده، نیز در خود شامل سازد. ستره محکمه ایالات متحده آمریکا در اولین تعدیل قانون اساسی خود، این امتیاز را از زمره امتیازات قانون اساسی قلمداد نموده، که در قضایای مربوط به نقض حقوق محرمیت نیز قابل اجرا بوده است (پروسر ۷۹۲).

مطابق به حالت دفاعی تبصره منصفانه یا غیرجانبدارانه، شخصی که به بیان افتراء آمیزی دست می‌یازد؛ اما ادعا دارد که تبصره افتراء آمیزش متکی بر واقعیت بوده، باید در حضور محکمه به اثبات برساند، که بیان افتراء آمیزش صیغه بیطرفانه و منصفانه داشته؛ و از زمره موضوعات دلچسپی عامه به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، اتهام‌کننده باید در پیشگاه محکمه ثابت سازد، که در انتشار و بیان تبصره افتراء آمیزش جز بازگویی واقعیت‌ها، هیچگونه انگیزه و غرض نادرستی مطمح نظر نه بوده است.

برای آنکه چیزی از زمره موضوعات دلچسپی عامه به حساب آمده؛ و بدین وسیله متضمن امتیاز تبصره‌های منصفانه یا غیرجانبدارانه قرار گرفته بتواند، ضروری نیست تا خواهی نخواهی از موضوعات دلچسپی عامه مربوط به زندگی خود مردم باشد؛ این‌گونه تبصره‌های می‌تواند موضوعاتی را نیز در بر گیرد، که مردم خواهان ابراز علاقه و دلچسپی در باره آن باشد؛ مثلاً یک روزنامه محلی در تبصره‌هایش بنویسد، که مالیه صفائی از آن جهت به طور غیرضروری بلندرفته، که رئیس کمیته مالی ناحیه مورد نظر، از مسایل مربوط به بودجه سازی حکومت محلی، سر در نمی‌آورد. هرگاه رئیس کمیته مالی ناحیه مذکور به اقامه دعوا علیه چنین روزنامه محلی مبادرت می‌ورزد، در آن صورت باید روزنامه یاد شده به عنوان دفاع از اتهام وارده در محضر محکمه ثابت سازد، که بیان منتشره در واقع یک تبصره منصفانه و غیرجانبدارانه در خصوص اجراءات وی بوده است. اگر رئیس کمیته مالی به نوبه ثابت سازد، که مدیر مسؤول روزنامه یا خبرنگار ناشناخته آن، بر آن چه ادعا نموده، اعتقاد عمیق و کامل نداشته، بلکه تحت انگیزه و غرض خاصی دست به این اقدام زده است، در آن صورت بیان روزنامه از زمره حالات دفاعی به شمار نرفته؛ و باعث رفع مسؤلیت آن نخواهد شد.

۶- گزارش اقدامات عامه

عرصه دیگری استفاده از امتیاز مشروط، که سابقاً در حقوق تعاملی (کامن لا) به رسمیت شناخته شده بود؛ و اکنون ظاهراً تحت حمایت قانون اساسی نیز قرار گرفته، عبارت از گزارش دهی در خصوص اقدامات رسمی یا انواع اقدامات عامه دیگر به مردم است (پروسر ۷۹۲).

به هر حال، بیانی که تحت پوشش امتیاز مطلق قرار گرفته، در هر نوع دعوی افتراء، مورد حمایت و پذیرش قرار می‌گیرد؛ مانند بیانات اعضای پارلمان (جرگه عوام و جرگه عیان) انگلستان و اعضای پارلمانهای برخی کشور های دیگر جهان، که می‌توانند طبق قواعد داخلی در مباحثات پارلمانی شان به اظهار نظر در باره هر آن چه دل شان بخواهند، بپردازند. علاوه برین، شاهدانی که در محضر محکمه، به رایه مدارک و اسناد پرداخته نیز می

توانند از امتیاز مطلق بهره جویند. به عکس امتیاز مطلق، با توجه به آنچه در عمل ملاحظه می گردد، افرادی تحت حراست امتیاز مشروط قرار می گیرند، که در شرایط و حالات زیرین، دست به نشر بیان افتراء آمیز بزنند:

- کسی که در عنوان کردن بیان افتراء آمیز حایز منفعت یا وظیفه قانوناً شناخته شده باشد.
- کسی که در بیان افتراء آمیز حایز منفعت قانوناً شناخته شده بوده یا وظیفه قانونی حصول آنرا به دست آورده؛ و در اثر غرض یا سوءنیت یعنی انگیزه های مزورانه، نادرست و پنهانی، دست به چنین عمل نزده باشد.

سؤ استفاده از امتیاز مشروط

شرط مقرر شده در همه انواع امتیازات مشروط، آنست که همچو امتیازات باید تحت شرایط مناسب و اهداف مؤجه، مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، این گونه امتیازات یا مصونیت ها در حالاتی که مدعی علیه از حدود مقرر آن، یا فراتر نهد یا از مناسبت استناد شده در قضیه مورد بحث سوء استفاده نماید، به خودی خود باطل می گردد. بنابراین، امتیاز مشروط در هیچ یک از حالات قبل الذکر، نه مشمول حال نشر افتراء بی ارتباط و فاقد دلچسبی عامه یا خصوصی قابل حمایت گشته؛ و نه هم افتراء به شخص دیگری غیر از کسانی راتحت پوشش قرار می دهد، که استماع آن به وسیله چنین اشخاص جهت پیشبرد منفعت یا دلچسپی یاد شده لازمی و مفید تلقی می شود؛ به طور مثال یک وکیل مدافع آزاد نیست تا در یک روزنامه بیانی را به نشر رسانده، استدال نماید که مجنی علیه قضیه ادعا شده تجاوز بر ناموس، در واقع با موکلش حین اجرای عمل رضایت کامل داشته است؛ چه درینجا چنان که به وضاحت دیده می شود، وکیل مزبور با نشر بیاناتش در روزنامه، اسرار محرمانه مربوط به زندگی شخصی مجنی علیه و رابطه خصوصی اش به موکل وی را معروض به افشاءگری در میان عامه مردم کرده؛ و بدین وسیله از صلاحیت حقوقی خود پاه فراتر نهاده است. از جانب دیگر، انتشار چنین اطلاعات محرمانه از جانب وکیل مدافع، صرفنظر از درستی یا جعل بودن حقایق آن، یک نوع افتراء به ضد مجنی علیه این قضیه نیز تلقی می شود.

از همین سبب است، که وکیل مدافع رادرین گونه موارد، مستحق استفاده از امتیاز مشروط به حساب نمی آورد. هکذا، آن مالک نیز نمی تواند از امتیاز مشروطی استفاده برد، در صورتی که کسی (معترض) را هنگام حضور شخص ثالثی متهم به سرقت مال خود نماید، که در موضوع متذکره هیچ نوع دلچسبی قانونی نداشته باشد؛ زیرا در چنین حالات، چنان که دیده می شود، نشر افتراء (اتهام سرقت مال) به شخص ثالثی نیز سرایت می کند، که در وقوع آن حادثه جرمی هیچ نوع منفعت یا دلچسپی ندارد؛ و این امر بدون شک، از حیثیت و اعتبار متهم (معترض) نزد شخص سومی (فرضاً مهمان، استاد، شاگرد و غیره) می کاهد.

به همین روال، در انگلستان نظری وجود دارد، که به اساس آن نشر افتراء به زعم اینکه دریافت کننده شخص اصولی دیدن و شنیدن آنست، بهره مند از امتیاز مشروط پنداشته نمی شود؛ اما برخی قضایای امریکائی که به بررسی این مسأله پرداخته، بالاخره تمایل به اتخاذ قاعده بهتری پیدا نموده است. مطابق این قاعده نباید از اعطای امتیاز مصونیت مشروط به شخصی انکار ورزید، که بیان افتراء آمیزی را با داشتن وجبیه یا صلاحیت در موضوع، به نحوی شایسته و معقولی در اختیار کسی می گذارد. به بیان دیگر، فقط آن روش معقول و شایسته نشر افتراء می تواند مورد پذیرش قرار گیرد، که با هدف حراست از منفعت و دلچسبی خاصی، مطابقت داشته باشد.

بدین ترتیب، دیکته کردن یک نامه تجارتي به تالیبست، استعمال تبلیگراف در وقت مهم، نشر بیانی در روزنامه به منظور دستیابی مردم یا تعداد کثیری از افراد ذیعلاقه، می تواند با استناد به مناسبت خاصی، مورد استفاده امتیاز مشروط قرار گیرد.

وسایل نشرکننده موضوعات افتراء آمیز؛ نظیر روزنامه ها نیز در برخی موارد به خصوص، بنابر سهمگیری و کمک در انتشار همچو موضوعات، مستحق استفاده از این گونه امتیاز پنداشته می شود. در موارد نیازمندی های عامه؛ مانند نیازمندی به مؤسسه تبلیغراف، که در موقف خودداری از فرستادن پیام مردم یا تحقیق در محتوای آن قرار نداشته، نظر موجه این بوده است تا به همچو مؤسسات اجازه داده شود، از نشر موضوعاتی خودداری نرزد، که علناً خصوصیت افتراء آمیز نداشته؛ مگر آنکه دلیلی مبنی بر این باورمندی نزدش وجود داشته باشد، که فرستنده شخص مستحق از امتیاز نیست. با توجه به این استدلال، هرگاه کسی پیامی می فرستد، که افتراء علنی در آن به ملاحظه نرسد، هیچگاه با مخالفت مؤسسه تبلیغراف مواجه نخواهد شد؛ مشروط بر اینکه اداره تبلیغراف متقاعد به عدم موجودیت امتیاز مشروط در خصوص فرستنده آن نباشد (پروسر ۷۹۲-۹۳).

در همه این گونه حالات و موارد، تمسک به این واقعیت که نشریه افتراء آمیز اتفاقاً به شخص فاقد امتیاز خوانده یا شنونده شده است، منجر به ایجاد مسؤلیتی نخواهد شد؛ به شرطی که روش مزبور در حالات معقول و شایسته به کار رفته باشد. بدین ترتیب، امتیاز نشر موضوعات افتراء آمیز در یک روزنامه به منظور دستیابی جوانب ذیعلاقه، به استناد این واقعیت باطل نخواهد شد، که گویا در جمله خوانندگان آن روزنامه کسانی هم وجود دارند، که با موضوع مورد بحث ارتباط ندارند؛ اما معلوم کردن این مسأله نیز از اهمیت بسزائی برخوردار است، که افشاء نمودن افتراء به شخص نادرست، به چه شکل و روشی صورت گرفته است. ازینرو، مدعی علیه در همه آن مواردی مسؤل تلقی خواهد شد، هرگاه پیام افتراء آمیزش را بدون کدام ضرورت به جای توسل به یک بدیل مناسب و نسبتاً مخفیانه، روی پوستکارد گسیل داشته یا از تبلیغراف یا روزنامه ای برای این مقصد استفاده نموده و یابه نحوی سخن رانده باشد، که به علاوه شخص مورد اتهام، کس دیگری نیز قادر به شنیدن سخنانش گردیده باشد. گذشته ازین، امتیاز مصونیت مشروط در مواردی نیز از میان خواهد رفت، که مدعی علیه با داشتن حالت نادرست ذهنی (روحیه مجرمانه) دست به نشر افتراءهائی بزند. درین رابطه همواره از کلمه « غرض یا بدخواهی » که حقوق افتراء از شروع پیدایش تا حال طاعون وار با آن مواجه بوده، ذکر به عمل می آید.

روی این ملحوظ، هر افتراءی غرض آلود و بدخواهانه همیشه مغایر و منافی استفاده ازین امتیاز خواهد بود. با وصف این اصل، موجودیت محض چنین سوء نیت، به خودی خود معنای لغوی یا ابطال این امتیاز را افاده نخواهد کرد؛ چه « غرض » با چنین مفهوم می تواند مدعی علیه را، در صورتی که مسؤل قرار داده شود، معروض به خسارات جزائی نماید. بالعکس، وقتی امتیاز مشروط با توجه به مناسبت و مقصد خاص آن اصولاً ثابت گردد، استناد به این واقعیت آنرا باطل نخواهد کرد، که گویا مدعی علیه نسبت نفرت و انزجارش از معترض، به بدنامی و بی عزتی او دامن زده؛ و از آن لذت می برده است (پروسر ۷۹۳ - ۹۴).

هرگاه مدعی علیه تحت تاثیر انگیزه های غرض و سوء نیت عمل کرده، در آن صورت مسلماً مسؤل قرار داده خواهد شد؛ و از شدت لهجه اش در بیانات به مثابه سند و مدرک علیه خودش، استفاده به عمل خواهد آمد. او همچنان مسؤلیت خواهد داشت، اگر برای رسیدن به هدف دیگری، که شاید به ذات خود صبغه قانونی داشته، ولی فراتر از حدود قبول شده امتیاز مشروط قرار داشته، دست به بیان افتراء آمیز بزند؛ مانند تداوم خدمت مزدور یا ملازم، به دست آوردن همکاری و کمک کسی جهت حصول قرض خود از کسی و یا افزایش تیراژ یک روزنامه و غیره.

از آنجاکه در نشر دروغ عمدی هیچ گونه منفعت اجتماعی مضمّن نبوده، لذا امتیاز مصونیت مشروط در مواردی نیز باطل تلقی خواهد شد، هرگاه مدعی علیه بر آنچه ادعا دارد، باور و اعتقاد نداشته باشد. بسیاری محاکم ازین هم یک قدم فراتر رفته، اظهار می دارد، امتیاز درحالتی نیز باطل پنداشته می شود، که افتراء کننده در باورمندی اش به

درست بودن گفته های خود، فاقد زمینه یا «سبب احتمالی» معقول باشد؛ حال آنکه دیگران تأکید ورزیده اند، آن چه درین مورد ضروریست، تنها موجودیت حسن نیت، قطع نظر از مقیاس غیر مناسب بودن آن، می باشد؛ اما هیچ کدام ازین موقف ها در کلیه قضایای افتراء، قابل تطبیق نبوده است؛ چه از یک جانب دلیلی وجود نخواهد داشت، که به افتراء کننده احمق و بی پروائی در لطمه زدن به شهرت و اعتبار شخص معصومی، بدون بذل مساعی در توجیه بیاناتش، امتیازی اعطاً گردد.

از جانب دیگر، مناسبت هائی نیز وجود دارد، که مبتنی بر آن واگذاری اطلاعات در باره یک شایعه و یا یک سوءظن ساده بدون اعتقاد و یا دلیل اعتقاد بر حقانیت آن، کاملاً درست پنداشته می شود. ازین رو، بهترین راه حل تطبیق این قاعده در آن خواهد بود تا همواره از مدعی علیه خواسته شود، که در حالات گوناگون با توجه لازم به نیرومندی اعتقاد، زمینه ها و قراین حمایت کننده و بالاخره اهمیت انتقال معلومات به دیگران، به مثابه یک شخص معقول و سنجیده عمل نماید (پروسر ۷۹۶).